

پارامترهای فقهی اطلاعات- امنیت از منظر امام خمینی (ره)

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته‌ای (سال چهارم)
شماره ۱۱ / بهار ۱۳۹۷ / ص ۳۴-۲۶

محمد سلمان تبارسوته^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه مازندران، ایران

نویسنده مسئول:

محمد سلمان تبارسوته

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسائل مهم زیادی در حکومت مطرح گردید که فقه سیاسی لزوماً باید به آنها می‌پرداخت و برای حل سوال‌ها جواب ارائه می‌نمود. تخصصی شدن فقه سیاسی و به وجود آمدن شاخه‌های جدیدی مثل فقه امنیت، فقه مصلحت، فقه اطلاعات و ... از جمله نتایج این استحاله بوده است. در مقابل مسائل امنیتی، فقه سیاسی در ارائه راه حل‌های مناسب عهده دار مسئولیتی بود که تعامل مطلوب میان حوزه تخصصی امنیت و حوزه فقه سیاسی را نشان دهد. در این خصوص، باید جایگاه و منزلت دین و نیز جایگاه و منزلت امنیت را بشناسیم تا دچار مشکل نشویم؛ نمی‌توان از اسلام انتظار داشت که در خصوص امنیت، روش و برنامه‌ای بیان نماید که در آن جزئیات دقیق مسائل امنیتی عرضه شده باشد؛ اما اصول و مبانی اسلام به گونه‌ای است که می‌توان از درون آن، شیوه‌ها را استنباط و استخراج کرد.

بعد از پیروزی انقلاب با عنایت به مطالبه جدی مردم پیرامون دسترسی‌ها و اختیارات دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی و ارزش بخشی انقلابی به این حوزه، سؤالی که در افکار متبادر می‌شد این بود که خواسته، گفته و عمل پدیدآورنده گفتمان انقلاب اسلامی در این خصوص چه بوده است؟ مطالعه بر روی اندیشه‌های امام خمینی (ره) این را نشان می‌دهد که گفتمان امنیتی و اطلاعاتی ایشان فقط با اولویت اصلی اسلام معنی می‌یابد. نسبت گفتمانی فقه اطلاعاتی امام (ره) با گفتمان اطلاعاتی امنیتی و حتی دیگر گفتمان‌های امام راحل (ره) فقط در شکل اسلام مکتبی که عناصری همانند ولایت فقیه و انقلاب اسلامی و مردم را به خدمت می‌گیرد؛ معنی می‌باید.

واژه‌های کلیدی: فقه اطلاعاتی، گفتمان اطلاعاتی، امام خمینی، لاکلاو، فقه سیاسی

۱- بیان مسئله:

امنیت فردی و اجتماعی برای بقا و پیشرفت هر حکومتی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و اطلاعاتی ضروری است و برای حفظ امنیت، وجود سازمانی اطلاعاتی، اجتناب ناپذیر است. از آنجا که قواعد فقهی، خود، منشأ استنباط احکام شرعی هستند، در این پژوهش به قواعد فقهی مرتبط با کارگزاران اعم از عوامل، کارشناسان، مدیران و مسئولین امنیت اطلاعات و ضداطلاعاتی در مواجهه با اصول الزم الرعایه شرعی و قانونی درصونه اقدامات اطلاعاتی می‌پردازیم و از طرح احکام شرعی که گسترده‌گی فراوانی دارد، خودداری می‌کنیم و آن را بر عهده هر یک از سازمان‌ها می‌گذاریم. خصوصیت و فایده دانش و شناخت قواعد فقهی، همین‌بس که اول این امکان را می‌دهد تا احکام شرعی را از آن استخراج و تکلیف کارگزاران را از نظر شرعی روشن کرد. دوم، شناخت منابع فقه است که در قواعد فقهی مرتبط با امنیت اطلاعاتی، دسترسی به دریافت احکام شرعی وجود ندارد و مسئولان باید به حدود وظیفه خود عمل کنند؛ سوم، برای محققان و دانش‌پژوهان در سایر مسائل امنیتی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اطلاعاتی و...) این فرصت را ایجاد می‌کند تا علاوه بر قواعد فقهی، از آنها استخراج و در نهایت به صدور حکم شرعی منجر می‌شوند و این موضوع درک صحیح تری به دست می‌دهد و به لحاظ تقيید، کارگزاران را وادار می‌کند تا احکام شرعی را دقیق تر اجرا و ابهامات را مرتفع کنند؛ چهارم، این امکان را به کارگزاران می‌دهد تا در برخی صحنه‌های اقدامات اطلاعاتی و اضطرارها، قواعد فقهی مرتبط با هر یک از مسائل امنیتی را بررسی و مشابه الگوی تحقیق عمل کنند.

در فرهنگ اسلامی ایمان هم پایه امنیت است و هم هدف آن. ایمان از این جهت که امنیت اصلی، واقعی و حقیقی در گرو ایمان است، پایه امنیت است. یاد خدا و همبستگی با خدا و تصحیح رابطه انسان با خدا امنیت، آرامش و ایمنی را به دنبال می‌آورد، زیرا ارتباط با خدا باعث می‌شود تا انسان جایگاه حقیقی خود را در هستی پیدا کند. (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۳۸۵)

امنیتی شدن مسائل صرفاً به رفتارگری آن‌ها ارتباط ندارد، بلکه علاوه بر آن، مستلزم مقبولیت همگان از سوی مخاطبان است که در مورد رهبران نظام‌های سیاسی، این مخاطبان، مردم و جوامع ملی هستند. به بیان دیگر، بیان رفتارگر امنیتی کننده، در بطن خود مستلزم نوعی مشروعیت این رفتارگری از سوی مخاطبان نیز هست.

چند خصوصیت حضرت امام خمینی (ره) را از هم عصران خود متفاوت می‌کند. ایشان در کنار عرفان و فلسفه و فقه فردی سیاستدان بود که افزون بر نظریه‌پردازی سیاسی به عنوان نظریه‌پرداز فقه سیاسی شیعه در قرن حاضر مطرح می‌سازد. امام خمینی (ره) در مقام بنیان‌گذار نظریه جدید اسلام سیاسی که به مقام ولایت فقیهی نیز رسیده است ایده‌پردازی و ارایه نظریه درباره گفتمان امنیت را در کانون توجه خود قرار داد و بخش مهمی از گفتارهای خود را پیرامون آن صورت‌بندی کرد. به همان سان، گفتارهای ایشان در این باره، تنها جهت کلامی نداشت و از بار رفتارگری نیز برخوردار بود. به بیان دیگر، ایشان با گفتار خود، در عین نظریه‌پردازی در خصوص گفتمان امنیت، همزمان عملی نیز انجام می‌دادند و آن همانا آن به عنوان دستور کار امنیت به شمار می‌رفت. بنابراین امام (ره) به عنوان پدیدآورنده «گفتمان امنیتی» ج.ا، رهبر نظام جمهوری اسلامی از این امکان برخوردار بود که در مقام رفتارگر امنیتی کننده نیز ایفای نقش کند. رفتارگر امنیتی کننده، در مقام تعریف، شخص یا گروهی است که کنش گفتاری امنیتی را انجام می‌دهد. نقش پردازانی که این کار را به اجرا می‌گذراند، رهبران سیاسی، دیوان‌سالاری‌ها، حکومت‌ها، گروه‌های سیاسی و گروه‌های ذی نفوذ هستند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶، ص: ۸۴).

بیشتر باید خاطر نشان کرد که نگریستن به امنیت از منظر تحلیل گفتمان، شایسته نوعی تفکیک میان تحلیل‌گر و نظریه‌پرداز امنیتی و رفتارگر یا بازیگر امنیتی است. مقام تحلیل‌گر، امنیت را به ترتیبی که می‌بیند تعریف می‌کند و آن را در قالب نظری خاصی جای می‌دهد. زیرا تنها از این راه است که می‌تواند درک منسجمی از اقدامات بازیگران یا رفتارگران امنیتی به دست دهد. گرچه تحلیل‌گران به ناگزیر در پرداختن موضوعات امنیتی نقش دارند، ولی وظیفه اصلی آن‌ها این نیست که تعیین کنند آیا فلان تهدید، معضل امنیتی است یا نه؟ در مقابل، رفتارگران امنیتی یا امنیتی کننده، در عین حال که می‌توانند نظریه‌پرداز امنیتی نیز باشند، بیشتر برخی موضوعات را به عنوان شکل خاصی از رفتار سیاسی، امنیتی می‌کنند، یعنی مشخص می‌کنند. چه چیزی تهدید امنیتی است، منبع امنیت کدام است و ابزارهای امنیتی م مشروع کدام‌اند؟ در عین حال، رفتارگرانی که موضوعات را امنیتی می‌کنند، نه لزوماً واژه امنیت را بر زبان می‌آورند.

و نه اگر چنین کنند، همیشه لزوماً رفتار امنیتی انجام داده‌اند. از سوی دیگر، فرآیند امنیتی شدن موضوعات تنها به رفتارگری آن‌ها بستگی ندارد، بلکه افزون بر آن، مستلزم مقبولیت عام از سوی مخاطبان است که در مورد رهبران نظام‌های سیاسی، این مخاطبان، مردم و جوامع ملی هستند. به بیان دیگر، عنوان رفتارگر امنیتی کننده، در بطن خود مستلزم نوعی مشروعیت این رفتارگری از سوی مخاطبان نیز هست. این مخاطبان می‌توانند دستگاه‌های امنیتی، جوامع سیاسی همچون احزاب، جنبش‌های اجتماعی و عame مردم باشند. بر این اساس، امام (ره) از شروع پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌دهی به نظام جمهوری اسلامی، در پی پاسخ به این پرسش بوده‌اند که امنیت مدنظر ج.ا چه

نوع امنیتی است؟ و این امنیت در گرو حفظ کدام منبع است؟ و نسبت اقدامات امنیتی به معنی اقدام و به تعبیر دقیق تر اطلاعاتی با چه اصول و شاخصی سنجیده می‌شود؟ عناصر این گفتمان امنیتی با چه مفاهیمی به هم پیوسته و معنی واحدی به نام گفتمان امنیتی اطلاعاتی اسلامی را شکل می‌دهند؟

با توضیحات بالا، این مقاله به دنبال این پرسش اساسی است که چه نسبتی میان گفتارهای اطلاعاتی و امنیتی از منظر فقه سیاسی و گفتمان امنیتی امام (ره) وجود دارد؟ پاسخ آغازین به این پرسش آن است که در گفتمان اطلاعاتی امنیتی امام (ره) اسلام مکتبی محوریت مرکزی تفکرات ایشان را تشکیل می‌دهد و از ارungan اسلام مکتبی به موضوع انقلاب، حکومت اسلامی، ولایت فقیه و مردم به عنوان زنجیره‌های هم‌ارز نگاه می‌شود. در این میان فقه به عنوان بخش اصلی تدین به عنوان محور اصلی رابطه میان این عناصر آن را به یکدیگر تنظیم می‌کند. نسبت فقه اطلاعاتی امام (ره) با گفتارهای اطلاعاتی و امنیتی با نگاه ایشان به مقوله اسلام تعریف می‌شود.

۲- ارکان مفهومی بحث

۲-۱- گفتمان:

گفتمان در واقع کلیت ساختاردهی شده‌ای از مفاهیمی است که از عمل مفصل‌بندی مفهوم‌ها حاصل می‌شود، گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن‌ها نشانه‌ها با توجه به تفاوتی که با یکدیگر دارند هویت پیدا می‌کنند. گفتمان‌ها فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند. بنابراین معنا و فهم انسان همواره گفتمانی و لذا نسبی است (اطهری و همکار، ۱۳۹۴: ۱۷). برای مثال تجدد، حقایقی را در درون خود تولید و ایجاد کرده و فهم انسان مدرن از خود و جهان را شکل داده است. حقایق یکسره گفتمانی‌اند و بنابراین حقیقتی مطلق و فراگفتمانی وجود ندارد. لاکلاو و موفه به جای طرح کردن بحث عین و ذهن تمایز میان بازنمایی‌های ذهنی و فعالیت‌های عملی موضوعات و رفتارها را گفتمانی می‌دانند. پس برای این که اشیاء و فعالیت‌های قابل فهم باشند، باید به عنوان جزئی از یک چهارچوب گسترده‌تر مورد بحث قرار گیرند (منوچهری، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۶). به عبارت دیگر، پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود دارای معنا نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته کسب می‌کند.

برداشتی که لاکلاو و موفه از گفتمان دارند، مؤید خصوصیت رابطه‌ای هویت است. معنای اجتماعی کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به آن بافت کلی که اینها خود بخشی از آن‌ها هستند، می‌توان فهمید. هر معنایی را تنها با توجه به عمل کلی‌ای که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی که آن عمل در آن قرار دارد، باید شناخت (صادقی و همکار، ۱۳۹۴: ۳).

۲-۲- گفتمان امنیتی:

گفتمان امنیتی آن دسته از نظام باورها، پیام‌ها و معانی است که از مفهوم امنیت با نگاه اطلاعاتی القاء یا بر اذهان خطور می‌کند. (زبرجدی، ۱۳۹۵) در این مقاله، منظور مجموعه اقدامات امنیتی دستگاه‌های امنیتی اعم از واجا و ساحفها است.

۲-۳- فقه اطلاعاتی:

فقه در لغت به معنی فهم دقیق و عمیق است (نوری، ۱۳۷۸: ۷) در معنی ، تعبیر آن احکام عملی را شامل می‌شود . این معنی در امور اطلاعاتی و امنیتی به معنی بایدها و نبایدهای شرعی و احکام لازم الرعایه شرعی در امور اقدامات اطلاعاتی امنیتی را شامل می‌شود. بر این اساس فقه اطلاعاتی یکی از اجزاء و عرصه‌های فقه حکومتی است و گستره‌ی آن کلیه امور اطلاعاتی و امنیتی کشور در همه سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی بوده و تمام عرصه‌ها و زوایای کاری آن را در برمی‌گیرد و شامل احکام فرعی اولیه و احکام ثانویه و حکومتی است (طالبی، ۱۳۹۴: ۸۷-۱۲۲).

۴-۲- نظریه :

نظریه تحلیل گفتمان؛ رهیافتی برای تحلیل نسبت فقه اطلاعاتی امام (ره) با گفتارهای اطلاعاتی و امنیتی ایشان همان‌گونه که در بالا به آن اشاره شد، گفتمان در معنای دیسکورس، به منزله نظام بیانی یا گروه خاصی از گزاره‌های کلامی مرتبط و وسیع است که رساننده معنا، پیام و اندیشه‌ای برای القا و انتقال شیوه خاصی از تفکر، سبک ویژه‌ای از زندگی و نوع منحصر به فردی از گفتار و رفتار باشد. به عبارت دیگر، گفتمان‌ها، حرکتی زبانی هستند که کارکردهای اجتماعی، شناخت‌شناسی و ... یک گروه را بازتاب می‌دهند و هم زمان از قدرت تحمیل این کارکردها در گروه نیز بخوردار هستند (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۵۳۶). بدون شک، مهم‌ترین نظریه‌پرداز معاصر گفتمان میشل فوکوست. نظرات وی درباره مفهوم گفتمان را می‌توان اینگونه بیان نمود: «نظامهایی از اندیشه‌ها، مشکل از ایده‌ها، رویکردها، فرآیندهای عملی، باورها و پرایکها که به گونه‌ای منتظم، سوزه‌ها و جهانی را که از آن سخن می‌گویند، می‌سازند» (میلز، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

فوکو در پژوهش‌های تحلیلی - تاریخی خود از آسایشگاه روانی، حکومت، مدرسه و زندان، بیان می‌دارد که چگونه صورت‌بندی‌های خاصی از گفتمان در ایجاد انواع جدیدی از مضمون‌ها نقش داشته‌اند. از همین منظر است که گفتمان‌ها با تکنولوژی‌های قدرت دارای ارتباط می‌شوند. به بیان دیگر، گفتمان ابزاری است که ارتباطات قدرت از طریق آن مضماین راوی را به وجود می‌آورند. نظریه گفتمان فوکو، بخشی از پیشینه‌شناسی او بود. او در مطالعات پیشینه شناسانه خود به دنبال قوانینی رفت که تعیین می‌کردند کدام تفسیرها در یک دوره تاریخی خاص به منزله تفسیرهای معنادار و صادق پذیرفته می‌شوند. (بورگنسن و همکار، ۱۳۹۱: ۳۵). بر این اساس، تحلیل گفتمان نیز نوعی نظریه و یا در حقیقت، روش است که با بررسی و تجزیه و تحلیل نظامهای معنایی و قالب‌های بیانی می‌کشد انگیزه‌های پنهان در پشت هر متن را آشکار سازد و از این منظر، نوعی روش ساختارزدایی به شمار می‌آید که بی‌آنکه در جستجوی یافتن پاسخی قطعی برای هر چالش باشد، نشان می‌دهد که پاسخ به نوعی، به مفروضات مسئله مرتبط است (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۲۰۲). در بررسی رویکردهای مختلف در نظریه تحلیل گفتمان، به جز رویکرد فوکویی، رویکردهای بسیاری وجود دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به نظریه گفتمان ارنستو لاكو و شانتال موف، تحلیل گفتمان انتقادی و... اشاره کرد. در عین حال، آنچه مورد نیاز و مدنظر مقاله حاضر است، نحوه بکاربردن این نظریه‌ها و روش‌ها در علوم سیاسی و تحلیل چارچوب‌های کلامی حضرت امام (ره) است.

در مقام بررسی نسبت گفتمانی فقه اطلاعاتی امام (ره) با گفتار اطلاعاتی امنیتی ایشان، بایستی بررسی نمود که امام خمینی (ره)، گفتمان خود را در ضدیت با کدام گفتار، بنانهاده و آیا فقه اطلاعاتی حضرت امام خمینی (ره) در خدمت گفتار امنیتی و اطلاعاتی ایشان قرار گرفته است؟

هر مکتبی از منظر معنایی خاص خود به پدیده‌های ذهنی معنا می‌دهد. از همین روست که ما با ادیان، مذاهب، مکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف سروکار داریم. تعریف امنیت نزد هر نظریه‌پرداز یا مکتبی، حاصل فهم آن‌ها از مواردی همچون ارزش‌های حیاتی و فلسفه‌آفرینش، آگاهی از داشته‌ها و محرومیت‌ها، آگاهی از تهدیدات و نقاط ضعف و آگاهی از فرستادها و نقاط قوت است (لکزاوی، ۱۳۸۵: ۶۵-۱۳۹۳).^{۹۷}

در تعریف‌هایی که از امنیت بیان می‌گردد، یکی از اصول مهم، حفظ و ایمنی ارزش‌های اساسی و حیاتی مورد پذیرش جامعه است. یعنی در هر نگاهی به امنیت، مسئله ارزش‌های حساس طرح می‌شود. انسان با عنایت به ارزش‌های موجود در زندگی خود و برآورد تهدید یا تأمین آن‌ها، موضع خود را نسبت به رویدادها مشخص می‌کند. امنیت در معنای حقیقی، فقدان تهدیدها علیه ارزش‌های کسب شده و در معنای فکری، فقدان ترس و وحشت از جمله علیه ارزش‌ها را معین می‌سازد (رهپیک، ۱۳۸۷: ۶۸).

گفتمان امنیتی، با بیان تعریفی از امنیت و ناامنی، خود را معرفی می‌کنند و چند متغیر یا عنصر مرکزی و پیرامونی در آن‌ها وجود دارد که افزایش و کاهش یا تغییر مکان این عناصر در مکاتب مختلف، متفاوت است. گفتمان امنیتی سعی دارد از یک جنبه، با تکیه بر مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی ویژه خود، چیستی، چرایی امنیت را توصیف نماید و از طرف دیگر، عوامل اخلال کننده، آسیب‌ها و تهدیدات و نیز چالش‌های امنیتی را تعریف کند. در پاسخ دادن به نکات کذکور، هر رفتارگری می‌بایست

مواضع و دیدگاه خود در مورد مباحث کلیدی امنیت همانند موضوع امنیت، مرجع امنیت، سطح تحلیل امنیتی، اهداف امنیتی، وظایف امنیتی، مرزهای امنیتی، مزایای امنیتی، تهدیدات و آسیب‌های امنیتی را بیان نماید (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۸۰).

موضوع و منبع امنیت در رفتار گفتاری امام خمینی (ره) در ابتدا؛ مقوله اسلام است. به بیان ایشان: ما مکلف هستیم که اسلام را محفوظ نگه داریم و از واجبات مهم است. همین تکلیف است که باعث می‌شود خون‌ها در انجام آن ریخته شود. ایشان در وصیت‌نامه خود، چنین می‌نویسنده: آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام متفرقی آن است. بر ملت ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۴۹).

از همین منظر بود که امام، حفظ نظام را واجب می‌دانستند. در واقع، در چارچوب استنباط امام، چون جمهوری اسلامی در جهان کنونی تنها نظامی است که در پی تحقق و گسترش اسلام مکتبی است، حفظ آن اهمیت زیادی داشت. ایشان می‌فرماید اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آنچنان منزوی خواهد شد که تا ابد مگر در زمان حضور حضرت نتواند سرشن را بلند کند (صحیفه نور، ج ۱۳: ۹۵). بر همین اساس حفظ اسلام یک فرضیه اساسی در گفتمان امنیتی اطلاعاتی امام است. این نگاه به امنیت با مفهوم اطلاعاتی منطبق است.

۳- معرفت شناسی امنیت از منظر امام (ره):

امنیت آن چیزی است که رفتارگران امنیتی آن را بسان مرجعی که در معرض تهدیدات وجودی است و برای آن باید به تمهیدات اضطراری توسل نمایند تعریف شده است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۰). و شامل چیزهایی می‌شود که در معرض تهدید وجودی هستند (رهبیک، ۱۳۸۷: ۶۷). در مفهوم دیگر، موضوعاتی که برای حفظ آن‌ها می‌توان به تدبیر اضطراری توسل کرد (پورسعید، ۱۳۸۹: ۳۹). تدبیر اضطراری اقداماتی است که آن سوی رویه‌های معمول و عادی سیاسی برای حل و فصل مسایل قرار دارد و عمدتاً با ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها همراه است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۹).

در رویکرد امنیت امام خمینی (ره)، مرجع جامعه با لحاظ دو مؤلفه برجسته آن یعنی اسلام و مردم، بر مراجع دیگر، اولویت و اصالت می‌یابند. به بیان دیگر، منبع امنیت در رویکرد امام خمینی (ره)، جامعه محور است، زیرا به نظر امام (ره)، بدون رضایت‌مندی مردم و پشتیبانی آنان از حکومت و دولت، ارکان امنیت ملی ناستوار باقی خواهد ماند. همچنین امام خمینی (ره)، در مقام دولت سازی اسلامی در جامعه ایرانی بوده‌اند و از این رو، جامعه نیز در مقام پایگاه اجتماعی دولت اسلامی در نظریه امنیتی ایشان اصالت می‌یافتد (پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۹).

امام (ره) مرجع اصلی و ذاتی در تعریف و تبیین امنیت را ذات اقدس الهی می‌دانند که تبلور آن در اسلام و جمهوری اسلامی است که هم از جهت وضع و شرح امنیت و هم از جهت حفظ باید در کانون توجهات قرار داشته باشد و از آن نگهداری شود. بنابراین، گرچه منبع اصلی امنیت در حکومتی که می‌تنی بر دین است، کلام خدا و روایات وارد پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است، ولی به معنای واقعی می‌توان امنیت را در حفظ اسلام مکتبی، نهادها و پایگاه‌های اجتماعی با محوریت اسلام ناب تعریف کرد.

ارتباط این بحث با پرسش اصلی مقاله در این نکته است که تا نتوان شناخت دقیقی از نشانه‌های معرفت‌شناختی اندیشه امام (ره) ارائه گردد نمی‌توان ادعا نمود که به نسبت فقه اطلاعاتی ایشان با بحث امنیت و اطلاعات نزدیک گشته ایم. لذا می‌توان اینگونه فهمید که نسبت گفتار امام (ره) با فقه اطلاعاتی ایشان، مقوله اسلام و دین با نگاه فقهی ایشان مرتبط است. نتیجه واضح‌تر این است که اقدامات اطلاعاتی و امنیتی بدون رعایت حدود شرعی بیهوده خواهد بود.

اهمیت این مفهوم در کنش گفتاری امام (ره) به حدی است که نمی‌توان اقدام اطلاعاتی و امنیتی را بدون فهم اسلام مکتبی و الزامات آن تحلیل کرد.

۴- مراکز ثقل گفتار امنیتی از منظر امام (ره) :

۱- اسلام محوری

موضع اصلی گفتمان امنیتی و اطلاعاتی حضرت امام (ره) موضوع اسلام است. ولی باید به یک نکته مهم در اندیشه امام (ره) اشاره کرد که موضوع امنیت در اندیشه امام تنها مفهوم اسلام به معنی رایج نیست، بلکه نگاه ایشان در اصل مكتب اسلام و یا نگاه مکتبی به اسلام است. (صحیفه نور، ج ۲: ۱۶۵).

از نظر امام مكتب اسلام دارای ویژگی‌هایی فرانهادی و فرآگفتمانی و جهان‌شمول بوده که راه سعادت بشر را نشان می‌دهد و به نوعی در کنار این خصائص، اسلام نوعی سبک زندگی متعالی است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۴).

امام خمینی (ره) معتقد‌نند همین اسلام مکتبی است که تشکیل نهاد اطلاعاتی را واجب کرده است. ایشان فرمودند: «امروز ملت ما احتیاج به اطلاعات دارد. هر کس خوب‌تر است باید در این امر شرکت کند. اسلام ما را موظف می‌کند در امر دخالت کنیم...». کشور اسلامی است و باید به موازین اسلامی، عمل شود و تمام ارگانهای دولتی، بر طبق قوانین اسلامی، عمل کنند (دیدار با وزیر، معاونان و مدیران وزارت اطلاعات، ۱۳۶۳/۱۲/۱۹).

مكتب اسلام یکی از واضح‌ترین و کاربردی ترین معانی و واژه مبانی معرفت‌شناسختی، هستی‌شناسختی و انسان‌شناسختی در گفتمان امنیتی امام است که مبنای قرآنی و روایی دارد. امام خمینی به عنوان فقیه دین‌شناسی و مجتهد جامع الشرایط، تمام تلاش و همت خود را در پیروی از سیره نب اکرم (ص) صرف نموده و به لحاظ محتوایی و روشنی، خارج از این منابع به عنوان کنشگر رفتار نکرده است. به همین جهت امام راحل، دنیاخواهی را عامل ناامنی دنیا می‌دانند: "آنچه مایه نجات انسانها و آرامش قلوب است وارستگی و گستنگی از دنیا و تعلقات آن است که با ذکر و یاد دائمی خدای تعالی حاصل شود" (صحیفه امام، ج ۱۸: ۵۱۱). از همین روست که مرجع امنیت در دیدگاه امام، جهان‌شمول می‌شود و حتی بالاتر از جامعه اسلامی و جهان از هر دین و ملت و نژاد را فرا می‌گیرد و خود را مسئول دفاع از آنان در برابر تهاجم و ناامنی آفرینی دشمنان و مستکبران و ظالمان می‌داند.

۲- ولایت فقیه

با تحلیل نظریات امام خمینی (ره) می‌توان اینگونه استنباط نمود که هدف از حفظ «ولایت فقیه»، حفظ نمود نهادی دولت اسلامی است. ایشان در کتاب «حکومت اسلامی» خود در خصوص حکومت اسلامی، در اثبات لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، به ویژگی‌های حاکم این حکومت و اختیارات آن یعنی ولایت فقیه پرداخته‌اند. در واقع، روش معمول در چنین مباحثی را که در آغاز به منبع قدرت، اصل مشروعیت دولت، شکل حکومت و ساختار کلی و تشکیلات لازم پرداخته و سپس ضمن اشاره به نهادهای مهم دولت، به نهاد رهبری می‌پردازند، اعمال نکرده‌اند (قضیزاده، ۱۳۷۷: ۱۶۷).

به عبارت دیگر، ولایت فقیه را مظہر جامع نهادی حکومت اسلامی دانسته‌اند. "باقی ماندن این احکام مقتضی ضرورت حکومت و ولایتی است که والایی قوانین الهی را حفظ کند و متنفل اجرای آن گردد. از آن گذشته، حفظ نظام از واجبات مؤکد است و این واجب جز با وجود والی و حکومت به انجام نخواهد رسید" (بی‌تا، ج ۲: ۴۶۱).

بر این مبنای، فقیه واجد شرایط که به عنوان رهبر منتخب جامعه است، ضامن اسلامی بودن نظام و خروجی‌های آن در ابعاد داخلی و خارجی است. در این قالب، آنچه مبنای فهم و برداشت از اسلام و موازین و احکام آن قرار می‌گیرد، ادراک ولی فقیه یا فقهای منصب ایشان است. در عین حال که این درک می‌بایست در قالب برداشت مکتبی از اسلام باشد.

族群 سوم مرجع امنیت در رفتار گفتمانی امام (ره) نیز برپایه درک و بروداشت خاص از مفهوم مردم است. در واقع، مطابق بینش امام، تمامی جامعه از حقوق شهروندی و حق تشکیل حکومت برخوردار هستند و تمامیت جمهوری اسلامی و در واقع، دولت اسلامی بایستی تابع رأی ملت باشد. این نگاه نیز از منظر امام (ره)، نوعی بصیرت دینی است: "ما بنای این نداریم که یک تحملی به ملتمن بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم، ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آن تعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمن یک چیزی را تحملی بکنیم" (صحیفه نور، ج ۱۱: ۳۴).

بر همین اساس، ادامه جمهوری اسلامی بدون حضور مردم امکان‌پذیر نیست و از این جهت، مردم در مقام پایگاه اجتماعی در چارچوب منبع امنیت، اصالت می‌یابند. "هم تکلیف شرعیتان است، هم حکم عقل است که ما باید حفظ کنیم مردم را... ما وقتی مردم را داریم، اسلام داریم و رضای خدا را داریم، همه چیز را داریم بالاخره ما مردم را لازم داریم، یعنی جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می‌خواهد" (صحیفه نور، ج ۱۷: ۲۵۳). این مردم‌اند که این جمهوری را به اینجا رساندند و این مردم‌اند که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر (صحیفه نور، ج ۱۱: ۳۶).

امام (ره) خطاب مسئلان وزارت اطلاعات فرمودند: «شما باید خداوند را حاضر و ناظر بدانید... شما باید خیلی مواظبت کنید. البته همه باید مواظبت کنند، ولی از آنجا که شما کار حساسی در دستتان است باید مواظبت بیشتری داشته باشید...» (دیدار با وزیر، معاونان و مدیران وزارت اطلاعات ۱۳۶۳/۱۲/۱۹). «فرق است بین سرباز گمنامی که قدرت‌های مادی دنیا به آن فخر می‌فروشنند و بین سربازان گمنامی که پروردۀ اسلام و مکتب توحید است، که انگیزه آنان تحصیل قدرت و اکثراً ستمکاری و انگیزه اینان خدا و طلب حق است.» (بیانات به مناسبت دستگیری سران حزب توده، ۱۳۶۲/۲/۱۴).

رهبر انقلاب (مد ظله العالی) نیز به عنوان شاگرد خلف ایشان و به تأسی از ایشان در بیانات خود در توجه ویژه به این گفتمان به دفعات اشاره کردند: «اتصال هرچه بیشتر مجموعه اطلاعاتی به لحاظ روحی، قلبی، روانی با حضرت احادیث و مبدأ آفرینش و هستی با نصیحت، با رفتار، با عملکرد خودتان، با تذکر، با جلوگیری و مقابله با گناه.» (در دیدار با مدیران وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸).

«همه باید مواظبت کنند ولی از آنجا که شما (اممoran وزارت اطلاعات) کار حساسی در دستتان است باید مواظبت بیشتری داشته باشید. باید به قلبتان برسانید که هر کاری انجام می‌دهید در محضر خداست» (در دیدار با مدیران وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸).

ایشان در بیانات خود اهمیت حضور در سازمان اطلاعاتی را در نظام اسلامی با واژه «حسنه برجسته» تعبیر کردند. ریشه‌یابی واژه حسن در واژگان معنایی و گفتارهای اسلامی یک مفهوم کاملاً دینی است، ایشان فرمودند: «شما برادران عزیز که حقاً و انصافاً این مسئولیت عظیم را بر دوش گرفتید، قبول این مسئولیت، ادای این مسئولیت، یکی از برجسته‌ترین حسنانی است که انسان در نظام اسلامی می‌تواند به جا بیاورند و آن را تقديم کند. اجر زیادش هم به خاطر همین سختی اش است.» (دیدار با مدیران وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸).

در کنار توصیه‌های مکرر امام (ره) در خصوص تقویت معنویت در کنش گفتمانی آنان، توجه ویژه به رعایت مواذین شرعاً به عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی تفہمی کنش گفتاری مطرح است. به گونه‌ای که می‌توان به فهم نسبت «اطلاعات» و «فقه» معنی دهد. به این معنی که هر آنچه در مفهوم «اقدامات اطلاعاتی امنیتی» و «فقه اطلاعاتی» خارج از دایره شمول شرع باشد محل تردید و بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد.

۶- نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران ثمره سال‌ها هم خواهی اسلام‌خواهی مردم ایران و از سویی شیعیان جهان بوده است، انقلابی که ریشه در باورها و خواسته‌های اصیل خاموش شده ملت ایران به قدمت تاریخ اسلام داشت. یکی از اصلی‌ترین این مطالبات عمل براساس شرع و فقه اصیل اسلامی - بسان عدالتی که سالیان دراز وعده داده شده بود - بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی نهادهای اسلامی و انقلابی شکل گرفتند و این عرصه محک عملی برای ج.ا.ا و گفتمان آن بود تا جدیت و کوشش عملی آن را برای عمل کردن بر اساس موازین شرعی سنجید.

یکی از عرصه‌های واقعی و جدی خواسته‌ها، حوزه دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی بود که با توجه دسترسی‌ها و اختیارات می‌بایست براساس ارزش‌های انقلابی عمل می‌نمود. سؤالی که در اذهان متدبر می‌شد این بود که خواسته، گفته و عمل مبدع گفتمان انقلاب اسلامی در این خصوص چه بوده است؟ چه نسبتی میان خواسته‌ها و گفته‌های ایشان از دستگاه اطلاعاتی مبنی بر گفتمان انقلاب اسلامی و به تعبیری دقیق‌تر گفتمان اسلام مکتبی ایشان وجود دارد؟ مطالعه بر روی اندیشه‌های ایشان این را نشان می‌دهد که گفتمان امنیتی و اطلاعاتی امام (ر.ه) فقط با محوریت اصلی اسلام معنی می‌یابد. البته از دیدگاه ایشان هر اسلامی که امروزه از آن استفاده می‌شود و یا تعبیر به اسلام می‌شود منظور نظر نیست بلکه اسلام مکتبی که توان ایجاد تحول و انقلاب را در ملت‌ها دارد به عنوان دال مرکزی مطرح است. و از رهاوید این منزل اصلی است که زنجیره‌های همارزی همانند انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و مردم معنی می‌یابند.

پس می‌توان نتیجه گرفت نسبت گفتمانی فقه اطلاعاتی امام (ر.ه) با گفتمان اطلاعاتی امنیتی و حتی دیگر گفتمان‌های امام راحل (رضوان الله تعالیٰ علیه) فقط در قالب اسلام مکتبی که عناصری همانند ولایت فقیه و انقلاب اسلامی و مردم را به خدمت می‌گیرد؛ معنی می‌یابد. به طبع در اسلام مکتبی به جز شرع و عمل به احکام شرعی ارزش محوری وجود ندارد و حدود این شرع با ولی فقیه با هدف حفظ اسلام، مردم و انقلاب میسر می‌شود. در گفتمان امنیتی امام (ر.ه) شرع به عنوان یکی از کارکردهای مهم دین مسئول تنظیم رابطه میان مردم، انقلاب و آخرت است.

منابع:

- سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۲)، تأملی در مفهوم امنیت و مؤلفه‌های آن در اسلام، مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۸۵.
- بوزان، باری (۱۳۸۹)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ج دوم.
- منوچهری، عباس (۱۳۹۲)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- زیرجذی، اصغر (۱۳۹۵)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی فقه اطلاعات و قواعد فقهی؛ مباحث نظری، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، چاپ اول.
- طالبی علی نقی، فتحی صادق (۱۳۹۴)، اطلاعات و شرع و قانون از منظر ولایت، مجموعه مقالات اولین همایش اطلاعات و ولایت جلد سوم، تهران، انتشارات پژوهشکده اطلاعات.
- رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۹۳)، فرنگ پس‌امدرن، تهران: نی.
- میلز، سارا (۱۳۸۹)، میشل فوکو، ترجمه داریوش نوری، تهران: مرکز.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس لوئیز (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتگو، ترجمه‌هادی جلیلی، تهران: نی.
- لک زایی، نجف (۱۳۸۵)، «اصول رهیافت امنیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن کریم»؛ (سایت اینترنت).
- رهپیک، سیامک (۱۳۸۷) در نظریه امنیت ح.ا، تهران: «مفهوم و اجزای یک نظریه امنیتی»، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- امیرخانی، کاوه (۱۳۹۰)، مکتب امنیتی امام (ر.ه) سال چهاردهم شماره چهارم مسلسل ۵۴.
- صحیفه نور، تمام مجلدات، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ر.ه).
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹)، مرجع امنیت در کنیش گفتاری امام (ر.ه)، فصلنامه مطالعات راهبردی فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۴.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۱)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ر.ه).
- صادقی، سید شمس الدین، محمدی، سامان (۱۳۹۴)، جریان چپ، دیالکتیک روشنفکری و انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه همدان)، سال چهارم - شماره ۳.
- اطهری، سیدحسن، حسینی، سیدصدرا (۱۳۹۴)، از تضاد طبقاتی تا شکاف گفتگویی: بازخوانی مارکسیسم کلاسیک از منظر پسامارکسیسم «لاکلائو» و «موفه»، پژوهش سیاست نظری، شماره ۱.
- نوری، محمد اسماعیل (۱۳۷۸)، آشنایی با فقه، احسن الحدیث، قم، ص ۷.